

مطالعات اسلامی: تاریخ و فرهنگ، سال چهل و چهارم، شماره پیاپی ۸۹،
پاییز و زمستان ۱۳۹۱، ص ۸۵-۹۸

بررسی روایات کشتار تیمور در سبزوار*

سعید نظری/دانشجوی دکتری دانشگاه بین المللی امام خمینی قزوین^۱

چکیده

در بررسی لشکرکشی‌های تیمور و نیز آثار مربوط به حکومت سربداران آورده‌اند که تیمور در سال ۷۸۵ق/۱۳۸۳م، پس از سرکوب شورش مردم سبزوار و فتح شهر، دستور داد تا شورشیان را زنده زنده در لای گل و آجر قرار دادند و مناری برپا کردند. این گزارش در برخی موارد منشأ تحلیل‌های تاریخی نیز قرار گرفته است. در مقاله حاضر، با بررسی این واقعه در منابع مختلف دوره تیموری، روشن می‌شود که این سرکوب و کشتار، در شهر اسفزار هرات رخ داده که به سبزوار نیز مشهور بوده است. در واقع علت انتساب نادرست این واقعه به سبزوار، تنها تشابه اسمی این دو شهر بوده است.

کلید واژه‌ها: تیمور، سبزوار، سربداران، شیخ داود، اسفزار.

*. تاریخ وصول: ۱۳۹۲/۰۲/۰۱؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۲/۰۸/۱۲

مقدمه

برخی محققان معاصر که به موضوعاتی چون حکومت سربداران، فتوحات تیمور و یا تاریخ شهر سبزوار پرداخته‌اند، آورده‌اند که تیمور در سال ۷۸۵ق/۱۳۸۳م شورش را که در مخالفت با وی در سبزوار رخ داده بود سرکوب کرد و عده‌ای از مردم آن شهر را به سزای این عمل، به سختی کیفر داد.

چگونگی سرکوب شورشیان و کشتار آنان به شکل‌های گوناگون و با جزئیاتی متفاوت ثبت شده است. با بررسی کلیه این گزارش‌های تاریخی، مشاهده می‌شود که کلیه آن‌ها را می‌توان رونوشت‌هایی از دو روایت اصلی دانست که دیگران به سلیقه و ذوق خود به آن‌ها شاخ و برگ داده و یا مختصر کرده‌اند. این دو روایت در گزارش روند لشکرکشی تیمور به سبزوار، چگونگی فتح شهر، توصیف کشتار شورشیان و حتی نام حکمران شورش سبزوار، تفاوت‌های فاحشی با یکدیگر دارند. یکی از این دو روایت، گزارشی است که در کتاب منم تیمور جهانگشا تألیف مارسل بریون، ترجمه و اقتباس ذبیح‌الله منصوری ذکر شده و همان‌طور که در انتهای مقاله می‌آید، وثاقت تاریخی ندارد، اما از آنجا که این گزارش مجعول در کتاب‌های تاریخی چون تیمور لنگ تألیف محمد احمد پناهی (پناهی سمنانی، ۱۲۳-۱۱۶) و تیمور جهانگشا نوشته امیر اسماعیلی (۲۴۱-۲۵۱) نقل شده است، لازم بود که صحت و سقم آن مورد بررسی قرار گیرد. روایت دوم، گزارشی است که در *ظفرنامه* شرف‌الدین علی یزدی ذکر شده است. در ادامه، گزارش شرف‌الدین علی یزدی از کشتار تیمور و ارتباط آن با انتساب واقعه اخیر به سبزوار مورد بررسی قرار گرفته است.

۱. روایت ذکر شده در *ظفرنامه* شرف‌الدین علی یزدی

در این روایت که منشأ بسیاری از تحقیقات معاصر بوده، آمده است: مردم سبزوار در سال ۷۸۵ق/۱۳۸۳م به رهبری شیخ داوود سبزواری بر ضد حاکمیت تیموریان قیام کردند. تیمور بی‌درنگ از هرات روانه سبزوار شد و شهر را محاصره کرد و پس از سیطره بر آن، فرمان داد نزدیک به دوهزار تن از قیام‌کنندگان را لای دیوار برج یا مناری نهاده و زنده‌به‌گور کنند. بدین صورت که دست و پای آدم‌های زنده را بستند و ایشان را به ردیف در کنار یکدیگر قرار داده و روی آن‌ها را با آجر و ملات پوشاندند.

این گزارش با کمی تفاوت در جزئیات، در برخی تحقیقات معاصر درباره زندگانی امیر تیمور گورکانی (دیانت، ۱۶/۶۶۳)، یا حکومت شیعی سرداران به مرکزیت سبزوار (حقیقت، ۲۳۶ و ۲۳۷؛ حسن بیگی، ۱۶۵ و ۱۶۶؛ شهرستانی، ۱۰۴) و یا تاریخ شهر سبزوار (همدانی، ۱۳/۴۷۳؛ ریاحی، ۵/۳۲۲) تکرار شده است.

بررسی منشأ روایت

غالب نویسندگان مطالب فوق، *روضه‌الصف‌ها* می‌خوانند (د. ۹۰۳/ق ۱۴۹۷م) و *حبیب‌السیر* خواندمیر (د. ۹۴۲/ق ۱۵۳۵م) را منبع خود ذکر کرده‌اند، اما با کمی دقت در متن این کتاب‌ها و مقایسه آن‌ها با متن *روضه‌الصف‌ها* و *حبیب‌السیر*، مشخص می‌شود که منبع مورد استفاده مؤلفان جدید، نه این دو کتاب، بلکه کتاب *نهضت سرداران خراسان* تألیف پطروشفسکی (د. ۱۹۷۷م/۱۳۵۵ش)، است. در واقع به جز تحلیل‌ها و جزئیاتی که برخی از ایشان به سلیقه خود به روایت افزوده‌اند، چکیده مطالب‌شان در خصوص این واقعه، همانی است که پطروشفسکی در کتابش آورده (پطروشفسکی، ۹۶). ایشان در ذکر منبع مطالب خود نیز از این محقق روس تبعیت کرده و منبع مورد استفاده خود را *روضه‌الصف‌ها* (می‌خوانند، ۱۰۴۱) معرفی کرده‌اند. می‌خوانند نیز روایت مربوط به این واقعه را به‌طور دقیق از روی *ظفرنامه* شرف‌الدین علی یزدی نقل کرده است.

این گزارش که مفصل‌ترین شرح این واقعه است، مورد استفاده مورخان دوره‌های بعد چون اعتمادالسلطنه (د. ۱۳۱۳/ق ۱۸۹۵م)، محقق دوره ناصری، قرار گرفته است (اعتمادالسلطنه، ۱/۵۳۰). در دوران معاصر نیز یعقوب آژند، برخلاف دیگران که از پطروشفسکی استفاده کرده‌اند، این روایت را با اضافاتی، از می‌خوانند نقل کرده است (آژند، ۲۰۹-۲۰۷).

مشاهده می‌شود که همه محققان معاصر با واسطه یا بدون واسطه، در نقل این واقعه، از *ظفرنامه* شرف‌الدین علی یزدی استفاده کرده‌اند. این کتاب که از منابع اصیل و دست اول تاریخ تیموریان در پایان سده هشتم و آغاز سده نهم هجری است، به فرمان ابراهیم میرزا (نوه تیمور) بین سال‌های ۸۲۸/ق ۱۴۲۵م و ۸۳۱/ق ۱۴۲۸م با بهره‌گیری از تاریخ‌های پیشین و استفاده از منابع شفاهی و دفاتر حکومتی نگاشته شده است و به‌همین دلیل اثری معتبر به شمار می‌آید، چنان‌که اکثر تاریخ‌نویسان بعدی در نگارش وقایع این دوره بهره فراوانی از آن برده‌اند (ح.ع،

۴۳). شرحی که یزدی از سرکوب قیام سبزوار در کتابش آورده، بسیار مفصل است و حتی از نویسندگان پیش از خود، چون نظام‌الدین شامی، نیز مفصل‌تر به این واقعه پرداخته است. یزدی آورده است که در توقف تیمور در مرغاب، به وی خبر دادند که در سیستان و سبزوار شورش رخ داده است. تیمور ابتدا به هرات رفت و پس از سرکوب مردم آن دیار، به سبزوار لشکر کشید تا شورش «شیخ‌داود سبزواری که کفران نعمت پیش گرفته و دست جسارت به قتل تابان بهادر که داروغه آن‌جا بود، دراز کرده» سرکوب کند. شیخ‌داود پس از شکست اولیه از سپاهیان تیمور، در «قلعه بدرآباد که بر قلّه کوهی واقع است» متحصن شد. تیمور فرمان داد تا زیر دیوارهای قلعه را با نقب‌زدن خالی کنند. با خالی شدن زیر حصار، «قلعه نوعی از هم فرو ریخت که بیشتر مردم که در آنجا بودند، هلاک شدند». شیخ‌یحیی خراسانی که سرکرده نقبچیان بود نیز در زیر آوار بماند و کشته شد. با فرو ریختن حصار قلعه، شورشیان که دوهزار نفر بودند، تسلیم شدند. تیمور برای ایجاد رعب و وحشت در منطقه، دستور داد تا اسیران را «زنده بر بالای یکدیگر نهادند و به گل و خشت استوار کرده، منارها برآوردند» (یزدی، ۱۱۲۲، ۳۵۷a).

نقد و بررسی روایت

گزارش‌های تاریخی متأخری که در بالا ذکر شد، در ظاهر مشکلی ندارند، چرا که همه آن‌ها مستقیم یا با واسطه از *ظفرنامه* شرف‌الدین علی یزدی که از نظر زمانی نزدیک به این واقعه است، استفاده کرده‌اند. اما با بررسی دیگر منابع دوره تیموری و توجه به برخی نکات جغرافیایی و تاریخی، مشخص می‌شود که این واقعه نه در سبزوار (بیهق)، که در شهر دیگری رخ داده؛ یعنی شهر دیگری که آن نیز به نام «سبزوار» خوانده می‌شده است. در ادامه این پژوهش، با استفاده از مقایسه روایت‌ها، بررسی جغرافیایی و نقد محتوایی، محل اصلی وقوع این حادثه مشخص می‌شود.

الف. نقد محتوای روایت

خواججه‌علی مؤید سربداری (د. ۷۸۸ق/۱۳۸۶م) در سال ۷۸۳ق/۱۳۸۱م به استقبال تیمور رفت و اظهار بندگی و اطاعت کرد (یزدی، ۱۱۰۳). تیمور نیز طبق همان سیاست کلی که در ایران دنبال می‌کرد، «او را بنواخت و به اعزاز و اکرام مخصوص گردانیده، کمر و شمشیر داد و

خلعت های فاخر پوشاند» (همان) و همچنین سبزواری را به سیورغال او داد (همو، ۵۲۵).
خواجه علی مؤید تا پایان عمر به تیمور وفادار باقی ماند و تا سال ۷۸۸ق/۱۳۸۶م در کاب
تیمور جنگید تا اینکه بر اثر زخمی که در نبرد لرستان برداشت، دارفانی را وداع گفت (شامی،
۹۹).

بر اساس گزارش های منابع تاریخی، در این که سرداران رابطه حسنه ای با تیمور داشته اند
هیچ گونه تردیدی نیست. اما این موضوع با روایت های ذکر شده در قسمت قبل، یک تناقض
آشکار دارد. چگونه می شود شهری که به دلیل روابط حسنه حاکمش با امیر تیمور، از هرگونه
تعدی و تجاوز از سوی حکومت تیمور در امان بوده و تیمور تا سال فوت خواجه علی مؤید در
۷۸۸ق/۱۳۸۶م، این شهر را در اختیار او گذاشته، در سال ۷۸۵ق/۱۳۸۳م علم قیام برافرازد و
تیمور در سرکوب آن دست به چنان کشتار وحشتناکی بزند؟

از طرف دیگر طبق روایت های ذکر شده در کتب متأخر، شورش مذکور به رهبری شیخ-
داود سبزواری، حاکم سبزواری، در این شهر رخ داده است. یعنی حاکم سبزواری در زمان شورش
سال ۷۸۵ق/۱۳۸۳م شیخ داود سبزواری بوده است. حال آنکه بر اساس منابع دوره تیموری،
سبزواری از سال ۷۶۶ق/۱۳۶۴م تا زمان مرگ خواجه علی مؤید در سال ۷۸۸ق/۱۳۸۶م تحت
فرمان وی بوده است.

پاسخ به این تناقضات ممکن نیست، مگر آنکه نظر رویمر را در این زمینه بپذیریم: «صحنه
قیام، پایتخت سرداران نبود، بلکه جایی در شرق خراسان بود، شهری در جنوب هرات به نام
اسفزار. شیخ داود خطایی رهبر اصلی قیام هیچ نوع رابطه ای با سرداران نداشت. او یک نظامی
بود که خدمت آل کرت را وا گذاشت و به تیمور پیوست و حاکم آنجا شد. لذا این قیام کار
اشراف خرده پای حکومت آل کرت بود» (رویمر، ۸۶).^۱

این نظر، با جستجو در منابع دیگر دوره تیموری و بررسی جغرافیای اسفزار و سبزواری
(بیهق) که در ادامه می آید، تأیید می شود. در میان نویسندگان معاصر، ظاهراً تنها مرحوم عباس
اقبال (د. ۱۳۳۴ش/۱۹۵۵م) است که به مانند رویمر، محل شورش را اسفزار دانسته است: «امیر
تیمور پس از رسیدن بهرات بار دیگر بقتل مردم و مصادره اموال ایشان پرداخت و پس از آنکه

۳. رویمر این قسمت را از تحقیقات ژان اوین (Jean Aubin, la fin de l'etate sarbadar, pp 109 ff) نقل کرده
است. اما متأسفانه اصل کتاب اوین و ترجمه آن در دسترس نبود. لذا در این پژوهش استفاده دیگری از تحقیقات وی نشده
است.

خشمش از این رهگذر اندکی تسکین یافت، بسرکوبی حکمران یاغی اسفزار عازم شد و آن شهر را زیر و زبر کرد» (اقبال، ۶۸).

همان‌گونه که ذکر شد، بیشتر محققان و نویسندگان معاصر با تأثیر از نهضت سربداران خراسان پطروشفسکی، در تعیین محل و همچنین تحلیل‌های مربوط به این واقعه دچار اشتباه شده‌اند. پطروشفسکی در تحلیل این شورش و ارتباط آن با جناح‌های داخلی حکومت سربداران می‌نویسد: «شرکت این شیخ درویشان (شیخ‌داود سبزواری) نشان می‌دهد که قیادت این نهضت در دست جناح افراطی [سربداران] بوده است» (پطروشفسکی، ۹۶).

یعقوب آژند پا را از این نیز فراتر نهاده و بسیاری از تحلیل‌های خود درباره سقوط سربداران را بر پایه این گزاره اشتباه ارائه کرده است. از آن‌جا که در *ظفرنامه* شرف‌الدین علی یزدی دو نقل به ظاهر متناقض، یکی درباره ابقای خواجه‌علی مؤید بر حکومت سبزواری (بی‌هتق) (یزدی، ۵۲۵) و دیگری در خصوص بخشیدن حکومت سبزواری (اسفزار) به شیخ‌داود (همو، ۱۱۰۵) آمده، محققانی چون آژند که متوجه تفاوت این دو سبزواری نبوده‌اند، به توجیه این تناقض ظاهری پرداخته و تحلیل‌هایی ارائه کرده‌اند که تنها بر پایه تخیلات خود آنان است: «امیرعلی مؤید در مقابل تیمور تسلیم شد. تیمور با همه احترامی که نسبت به علی مؤید ابراز می‌داشت، حکمرانی را از او مصادره کرده و در اختیار دشمنان او شیخ‌داود سبزواری و شیخ-یحیی خراسانی (از جناح درویشان) قرار داد» (آژند، ۲۰۶)، و جالب آن‌جاست که علت این کار تیمور نیز شرح داده می‌شود: «وقتی که تیمور خراسان را گرفت و با تسلیم علی مؤید متصرفات سربداران به دست او افتاد. وی که دقیقاً از سیاسیات و وقایع تاریخ سربداران آگاهی داشت (شاید از طریق همین درویشان) و مسلماً در جریان آن نیز بوده است، برای اینکه جناح سربداران را که افراد شجاع و جنگجو و رزم‌آور و خطرناک برای اهداف او بودند، جناح درویشان را برکشید و حکومت سبزواری را در اختیار آن‌ها قرار داد» (همو، ۲۰۷ و ۲۰۸). در ادامه او از حکومت خیالی شیخیان در سبزواری و سرانجام قیام آنان سخن می‌گوید: «چنین می‌نماید که حکومت شیخیان در سبزواری و اطراف آن یک سال و اندی طول کشیده است. شیخ‌داود وقتی که پایه‌های حکومت آن‌ها محکم شد و درویشان به سبزواری برگشتند و به خدمت شیخ-داود درآمدند، بنای عصیان گذاشت و شورش خود را با قتل نماینده تیمور، تابان‌بهادر، آغاز کرد» (همو، ۲۰۸). آژند در تشریح جریان قیام نیز دچار اشتباه شده و شیخ‌یحیی را که طبق متن

ظفرنامه، سردسته نقبچیان لشکر تیمور بوده، یکی از رهبران اصلی قیام معرفی کرده است (همو، ۲۰۹). از این دست تحلیل‌های بی‌اساس در مورد این واقعه، در کتاب جنبش‌های شیعی در تاریخ ایران نیز به چشم می‌خورد (امین‌زاده، ۱۷۹-۱۸۱).

در کنار پطروشفسکی و نویسندگان متأثر از وی، نام رنه گروسه (د. ۱۹۵۲م) محقق فرانسوی نیز به چشم می‌خورد که این واقعه را با همان کیفیت آورده است (گروسه، ۷۰۴). وی منبع خود را ترجمه انگلیسی کتاب *عجایب المقدمور* تألیف ابن عربشاه ذکر کرده (Grousset, 507)، اما جالب این است که در نسخه عربی این کتاب، کوچکترین اشاره‌ای به این موضوع نشده است (ابن عربشاه). از آنجا که ترجمه انگلیسی کتاب ابن عربشاه در دسترس نبود، مشخص نیست که این اشتباه از جانب رنه گروسه سر زده است یا مترجم انگلیسی کتاب.

ب. مقایسه روایت‌ها

با جستجوی کلید واژه‌های «امیر شیخ»، «شیخ داود»، «تابان بهادر» و «بدرآباد» در میان منابع دیگر دوره تیموری، ذیل وقایع سال ۷۸۵ق/۱۳۸۳م، نظر رویمر مبنی بر وقوع شورش امیر شیخ در شهر اسفزار، از توابع هرات، تصدیق می‌شود و ظاهراً «سبزواری» نام دیگر این شهر بوده که شرف‌الدین علی یزدی در کتابش آورده است.

نظام‌الدین شامی (سده ۹ق) در شرح این واقعه از «امیر شیخ» نامی به عنوان حاکم اسفزار یاد می‌کند که «کفران نعمت نموده و مخالفت کرده» و قصد داشته تابان بهادر، داروغه منصوب تیمور در اسفزار را از بین ببرد. دنباله گزارش که شرح رسیدن تیمور و سرکوب شورشیان است، شباهت زیادی به گزارش شرف‌الدین علی یزدی دارد (شامی، ۹۱). مشاهده می‌شود که نظام‌الدین شامی تقریباً همان روایتی را که یزدی برای سبزواری نقل کرده، آورده است.

در منابع بعدی چون *روضات الجنات* (اسفزاری، ۴۴/۲)، *مجمعل فصیحی* (خوافی، ۱۲۲/۳) و *مطلع سعیدین و مجمع بحرین* (سمرقندی، ۵۴۶/۱) غالباً محل وقوع این رویداد، اسفزار ذکر شده است. در کنار این روایات، در گزارشی از حافظ‌ابرو (د. ۸۳۴ق) نام سبزار را نیز می‌بینیم: «و در سبزار شیخ داود در حصار بدرآباد یاغی گشته بود. حضرت صاحبقرانی به محاصره آن مشغول شد...» (حافظ‌ابرو، تاریخ سلاطین کرت، ۲۱۶).

در دو منبع دیگر متعلق به این دوره، از نام سبزواری برای محل وقوع این رویداد استفاده

شده است؛ حافظابرو (د. ۸۳۴ق/ ۱۴۳۰م) در کتاب جغرافیای ذیل نام اسفزار، این واقعه را به- طور مختصر آورده و از این شهر با نام سبزوار یاد کرده است (حافظابرو، جغرافیای حافظابرو، ۴۱). در روایت خواندمیر از این واقعه نیز نام سبزوار در کنار اسفزار دیده می‌شود (خواندمیر، ۴۳۵/۳). با توجه به این روایات و به‌ویژه دو گزارش مندرج در جغرافیای حافظابرو و حبیب‌السیر، که در آنها از دو نام اسفزار و سبزوار در کنار یکدیگر، برای شهری واحد استفاده شده، می‌توان گفت که در دوره تیموری، شهر اسفزار، سبزوار نیز نامیده می‌شده و استفاده از نام سبزوار برای این شهر چنان رایج بوده که حافظابرو و خواندمیر بدون هیچ توضیحی این دو نام را در کنار یکدیگر، به کار برده‌اند.

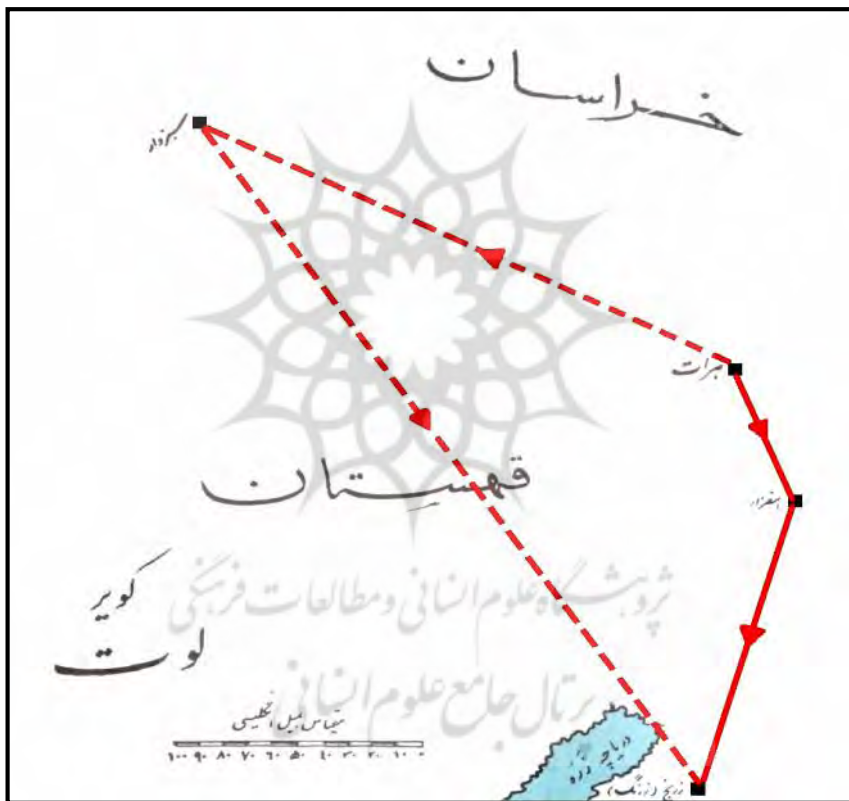
ج- بررسی جغرافیایی

ولایت اسفزار در جنوب هرات و بر سر راه زرنج قرار داشته است و در قرن چهارم هجری، علاوه بر مرکز آن ولایت که اسفزار نامیده می‌شد، چهار شهر دیگر در آنجا وجود داشت که عبارت بودند از آدرسکن، کوران، کوشک و گواشان. به گفته لسترنج، این شهر به نام سبزوار معروف بوده است و آن را سبزوار هرات می‌گفتند تا با سبزواری که در غرب نیشابور است اشتباه نشود (لسترنج، ۴۳۸).

نام سبزوار برای مرکز ولایت اسفزار ظاهراً اولین بار در کتاب تاریخنامه هرات هروی (د. ۷۲۱ق/ ۱۳۲۱م) آمده است (هروی، ۱۲۹). پیش از این کتاب، تقریباً همه کتب تاریخی و جغرافیایی نام اسفزار را برای این شهر استفاده کرده‌اند. (ابن خردادبیه، ۳۶؛ اصطخری، ۲۶۴؛ ابن حوقل، ۴۴۰/۲؛ مقدسی، ۵۰؛ تاریخ سیستان، ۲۶؛ ناصر خسرو، ۲۳۴؛ یاقوت، ۱۷۸/۱) تنها نویسنده کتاب حدودالعالم، در کتابش، نام «اسیزار» را برای آن آورده است. (حدودالعالم، ۹۲) اگرچه در جای دیگر از همین کتاب، شاهد کاربرد نام اسفزار برای این شهر هستیم (همان، ۲۹).

طبق گزارش‌های مذکور، تیمور در سال ۷۸۵ق/ ۱۳۸۳م قصد سرکوب یکی از حاکمان محلی در شمال خراسان را داشته، در میانه راه به او خیر شورش مردم سیستان را دادند. او ابتدا به هرات رفت و از آنجا عازم سیستان (سجستان) شد تا شورش آن منطقه را سرکوب کند. در سر راه رفتن به سیستان، او شورش شیخ‌داود در اسفزار را نیز سرکوب کرد (یزدی، ۱۱۲۲؛ حافظابرو، تاریخ سلاطین کرت، ۲۱۶؛ سمرقندی، ۵۴۶/۱). آنچه مشخص است، سرکوب

شورش شیخ داود در سبزوار، بعد از حرکت تیمور از هرات و قبل از سرکوب شورش اهالی سیستان بوده است. این وقایع از نظر زمانی آنقدر به هم نزدیک بوده‌اند که مورخان، آن‌ها را بلافاصله از پی هم آورده‌اند. لذا سبزواری که تیمور شورش آن را شدیداً سرکوب نمود، باید بین هرات و سیستان واقع شده باشد نه صدها کیلومتر آن‌طرف‌تر و در غرب نیشابور، زیرا رفتن و فتح کردن و برگشتن دوباره به مسیر هرات و سیستان، چند ماه به طول می‌انجامیده است. با توجه به نقشه زیر، شهر مورد نظر ما که بین هرات و سیستان واقع شده، همان اسفزار است و نسبت دادن آن به سبزوار (بیهقی)، اشتباهی بزرگ است.



تصویر ۱. مکان شهرهای هرات، اسفزار، زرنج و سبزوار بر روی نقشه

۲. روایت ذکر شده در کتاب منم تیمور جهانگشا

در قسمت اول این مقاله مشخص شد که انتساب واقعه کشتار تیمور به سبزواری (بیهق)، اشتباهی است که بر اثر یک تشابه اسمی بین دو شهر اتفاق افتاده است. اما روایت دوم از این واقعه که در کتاب منم تیمور جهانگشا آمده، علاوه بر انتساب این کشتار به شهر سبزواری (بیهق)، در وصف مفصل این واقعه، مطالبی را مطرح کرده که هیچکدام از منابع دوره تیموری آن‌ها را تأیید نمی‌کند.

از آن‌جا که روایت اخیر در برخی کتب تاریخی مورد استفاده قرار گرفته، لازم است مورد بررسی دقیق‌تر قرار گیرد.

شرح روایت

مطالب این کتاب که از زبان شخص تیمور نقل شده و در واقع خاطرات وی از لشکرکشی‌ها و فتوحات اوست، طبق شناسه آن، توسط مارسل بریون فرانسوی (د. ۱۹۸۴م) گردآوری و به دست ذبیح‌الله منصوری (د. ۱۳۶۵ش/ ۱۹۸۶م) اقتباس و ترجمه شده است.

گزارش سرکوب شورش مردم سبزواری، به‌طور مفصل در این کتاب ذکر شده و بخش جداگانه‌ای از آن را به خود اختصاص داده است. بر طبق این گزارش، تیمور در سمرقند بود و خود را آماده حمله به روسیه می‌کرد که خبر شورش مردم سبزواری و احتمال حمله آنان به ماوراءالنهر به او رسید. وی با لشکری عظیم به سمت خراسان آمد و برای جلوگیری از غافلگیری توسط متحدان امیر سبزواری، لشکریان خود را به سه سپاه کوچکتر تحت رهبری خود و دو پسرش تقسیم کرد و دستور داد که هر سپاه از یک جناح به سبزواری نزدیک شود. تیمور که با یک سوم سپاه از سمت توس به سوی سبزواری می‌رفت، قبل از رسیدن به شهر، با سپاه سبزواریان که برای جنگ از شهر خارج شده بودند، روبرو شد و آنان را شکست داد. همزمان با شکست سپاه سبزواری بقیه سپاه تیمور به فرماندهی پسرانش به او ملحق شدند. امیر سبزواری، علی سیف‌الدین، که دیگر جنگ در خارج از حصارهای شهر را درست نمی‌دید، به داخل شهر عقب نشست و مهاجمان گرداگرد باروی شهر را به محاصره درآوردند. پس از اتفاقات و ماجراهایی گوناگون، عاقبت تیمور دستور داد که زیر باروی شهر را نقب بزنند و با باروتی که از نیشابور آورده بودند، قسمتی از حصار شهر را نابود کنند. با انفجار و تخریب برج و باروی

شهر، سپاه تیمور وارد آن شهر شد و دست به کشتار و غارت اهالی سبزوار زد. پس از کشتار مردم سبزوار، تیمور دستور داد تا از سر نودهزار نفر از کشتگان شهر، دو مناره مخروطی در دو گوشه شهر برپا کنند تا درس عبرتی برای مردم شهرهای دیگر باشد (بریون، ۷۸-۶۲).

نقد و بررسی روایت

مطالب بالا دارای اشکالات تاریخی فراوانی است که با بررسی منابع دوره تیموری آشکار می‌گردد:

الف. طبق این روایت، تیمور در سمرقند بود که از شورش امیر سبزوار آگاهی یافت و به سوی سبزوار لشکر کشید. او دو لشکر را به فرماندهی دو پسرش جهانگیر و عمرشیخ بترتیب از راه‌های اسفراین و مزینان به سمت سبزوار گسیل داشت و خود با لشکری از سمت توس و نیشابور به سمت این شهر حرکت کرد. اما در همه منابع متقدم دوره تیموری که در آن‌ها این واقعه به‌طور مفصل ذکر شده، تیمور پیش از عزیمت به سوی سبزوار در هرات بوده است (یزدی، ۳۵۷ا؛ شامی، ۹۱)، لذا عبور سپاهیان وی از شهرهای اسفراین و مزینان و توس نمی‌تواند درست باشد.

ب. در این گزارش، امیر سبزوار که در برابر تیمور دست به شورش زد و قصد حمله به ماوراءالنهر را داشت، علی سیف‌الدین نام داشت و برادر او نیز که به دست تیمور اسیر شد، محمد سیف‌الدین خوانده شده است. در منابع دوره تیموری، اثری از این دو نام که ارتباطی با شهر سبزوار داشته باشند نیست. طبق منابع این دوره، آخرین امیر سربداری که در برابر تیمور اظهار تسلیم و بندگی کرد، خواجه‌علی مؤید نام داشت و رهبر شورشیان سبزوار شخصی به نام شیخ‌داود سبزواری بود. البته نویسنده کتاب در جای دیگر نام امیر سبزوار را علی سیف‌الدین مؤید آورده (بریون، ۷۰) که کمی به نام خواجه‌علی مؤید نزدیک است. اما همان‌طور که ذکر شد، همه منابع، با کمی تفاوت در لقب و نسب، نام رهبر قیام را داود ثبت کرده‌اند نه خواجه‌علی مؤید.

ج) براساس این روایت، پس از سرکوبی شورشیان سبزوار، تیمور دستور داد تا سر نودهزار نفر از کشتگان شورشی را از بدن جدا و در دو گوشه شهر جمع کنند و از سرهای هر قسمت، مناری مخروطی بسازند و بر فراز این منارها چراغ روشن کنند. اما این شیوه مجازات شورشیان

با آنچه که در منابع تیموری آمده، کاملاً متفاوت است. طبق این نوشته‌ها تیمور دستور داد دو هزار نفر را زنده و با دست و پای بسته روی هم بگذارند و با ملات و آجر مناری برپا کنند (یزدی، ۳۵۷a).

گذشته از موارد بالا، جزئیات داستان و نحوه فتح قلعه سبزوار، با آنچه که در منابع تیموری آمده، تفاوت‌های فاحشی دارد که خیالی بودن این داستان را بیشتر نشان می‌دهد. این روایت حتی با کتاب کم اعتبار *تزوکات تیموری* نیز منطبق نیست.

نگارنده به منظور یافتن منشأ این داستان تاریخی، به اصل فرانسوی کتاب تحت عنوان *TAMERLAN* مراجعه کرد. با نگاهی به فهرست مطالب این کتاب و مقایسه آن با فهرست مطالب *منم تیمور جهانگشا*، مشخص شد که مطالب کتاب ترجمه فارسی، هیچ‌گونه ارتباطی با اصل فرانسوی آن ندارد (Brion, 381). در واقع کتاب *منم تیمور جهانگشا*، بر خلاف ادعای مترجم آن، ذبیح‌الله منصوری، نه ترجمه و نه حتی اقتباسی از کتاب مارسل بریون، بلکه کتابی است تألیف خود ذبیح‌الله منصوری که مطالب آن را تخیلات و اطلاعات شخصی او شکل داده است. (برای آشنایی با شخصیت و شیوه کار ذبیح‌الله منصوری، ن.ک باستانی پاریزی، صص ۲۵۶-۲۲۶)

نتیجه‌گیری

با جستجو در منابع دوره تیموری و بررسی روایت‌های مربوط به کشتار سال ۷۸۵ق/۱۳۸۳م تیمور در سبزوار، و همچنین توجه به برخی نکات تاریخی و جغرافیایی، مشخص می‌شود که این واقعه در شهر اسفزار هرات رخ داده است، اما به سبب آنکه این شهر در آن دوران سبزار یا سبزوار نیز نامیده می‌شده، از این نام‌ها در شرح این واقعه در کتاب‌هایی چون *ظفرنامه شرف-الدین علی یزدی، جغرافیای حافظ‌ابرو و روضه‌الصفا میرخواند*، استفاده شده است.

استفاده از نام سبزوار برای شهری در جنوب هرات، که پس از دوره تیموی از رونق افتاده، موجب شده است که نویسندگان دوره‌های بعد، آن را با هم‌نام مشهورش در غرب نیشابور اشتباه بگیرند و این کشتار را به سبزوار اخیر نسبت دهند. اشتباه نویسندگان *مرآت‌البلدان* شاید چندان تأثیری در تحقیقات معاصرین نداشته، اما ورود این اشتباه، به کتاب *نهیضت سرداران خراسان* بطروشفسکی، سبب شده که محققان و نویسندگان معاصر، آن‌گونه که ذکر شد، این

اشتباه را بپذیرند و در نوشته‌های خود تکرار کنند، و همچون بطروشفسکی، گاه این اشتباه را مبنای تحلیل‌های خود قرار دهند؛ تحلیل‌هایی بی پایه و اساس.

کتابشناسی

- آزند، یعقوب، قیام شیعی سربداران، گستره، تهران، ۱۳۶۳
- ابن‌حوقل، صورة الارض، دارصادر، افست لیدن، بیروت، ۱۹۳۸
- ابن‌خرداذبه، المسالك و الممالک، دارصادر، افست لیدن، بیروت، ۱۸۸۹
- ابن‌عربشاه، ابوعباس شهاب‌الدین احمد بن محمد دمشقی، عجائب المقدور فی نوائب تیمور، به کوشش سهیل زکار، نشر التکوین، دمشق، ۲۰۰۸
- اسفزاری، معین‌الدین زمچی، روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات، به تصحیح سید محمدکاظم امام، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۳۹
- اصطنخری، المسالك و الممالک، دارصادر، افست لیدن، بیروت، ۲۰۰۴
- اعتماد السلطنه، محمدحسن بن علی، مرآت البلدان، به کوشش عبدالحسین نوایی و میر هاشم محدث، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۶۶
- اقبال آشتیانی، عباس، ظهور تیمور، بکوشش میرهاشم محدث، انجمن آثار ملی، تهران، ۱۳۶۰
- امین‌زاده، علی، جنبش‌های شیعی در تاریخ ایران (با نگاهی ویژه به سربداران)، امید مهر، سبزوار، ۱۳۸۴
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم، هزارستان، به نگار، تهران، ۱۳۷۰
- بریون، مارسل، منم تیمور جهانگشا، اقتباس ذبیح‌الله منصوری، کتابخانه مستوفی، تهران، بی تا
- بطروشفسکی، ایلیا پاولوویچ، نهضت سربداران خراسان، ترجمه کریم کشاورز، پدram، تهران، ۱۳۵۱
- تاریخ سیستان، مصحح محمدتقی بهار، کلاله خاور، تهران، ۱۳۶۶
- ح.ع، «ظفرنامه، شرف‌الدین علی یزدی»، گزارش میراث، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۸، شماره ۳۱
- حسینی تربتی، ابوطالب، نزو کات تیموری، کتابفروشی اسدی، تهران، ۱۳۴۲
- حافظ‌ابرو، تاریخ سلاطین کرت، تصحیح میرهاشم محدث، میراث مکتوب، تهران، ۱۳۸۹
- _____، جغرافیای حافظ‌ابرو- قسمت ربع خراسان، هرات-، به کوشش غلامرضا مایل هروی، بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۴۹
- حدود العالم من المشرق الی المغرب، بکوشش منوچهر ستوده، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۴۰
- حسن‌بیگی، محمدرضا، سربداران، تلاش، تبریز، ۱۳۶۳

- حقیقت، عبدالرفیع، *تاریخ جنبش سربداران و دیگر جنبشهای ایرانیان در قرن هشتم هجری*، آزاداندیشان، تهران، ۱۳۶۰
- خوافی، فصیح احمد، *مجمعل فصیحی، تصحیح و تحشیه محمود فرخ، کتابفروشی باستان، مشهد، ۱۳۳۹*
- خواندمیر، غیاث‌الدین، *حبیب السیر فی اخبار افراد بشر*، خیام، تهران، ۱۳۸۰
- دیانت، علی اکبر، «تیمور گورکانی»، *دایرة المعارف بزرگ اسلامی*، مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۷
- رویمر، هانس روبرت، *ایران در راه عصر جدید*، ترجمه آذر آهنچی، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۸۰
- ریاحی، وحید، «بیهق»، *دانشنامه جهان اسلام*، تهران، ۱۳۷۹
- سمرقندی، عبدالرزاق، *مطلع سعیدین و مجمع بحرین*، به اهتمام عبدالحسین نوایی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۸۳
- شامی، نظام‌الدین، *ظفرنامه*، به کوشش پناهی سمنانی، بامداد، تهران، ۱۳۶۳
- شهرستانی، محمدعلی، *تفحصی در تاریخ سربداران خراسان و مازندران*، نشر مؤلف، بی جا، بی تا
- گروسه، رنه، *امپراطوری صحرانوردان*، ترجمه عبدالحسین میکده، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۵۳
- لسترنج، گی، *جغرافیای تاریخی سرزمین های خلافت شرقی*، ترجمه محمود عرفان، علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۷
- مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد، *احسن التماسیم فی معرفة الاقالیم*، مکتبه مدبولی، القاہرہ، ۱۴۱۱ ق
- میرخواند، *روضه الصفا، تهذیب و تلخیص عباس زریاب*، علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۵
- ناصرخسرو، *سفرنامه*، انتشارات زوار، تهران، ۱۳۸۱
- هروی، سیف بن محمد بن یعقوب، *تاریخنامه هرات*، انتشارات اساطیر، تهران، ۱۳۸۳
- همدانی، علی کرم، «بیهق»، *دایرة المعارف بزرگ اسلامی*، مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۳
- یاقوت حموی، *معجم البلدان*، دارصادر، بیروت، ۱۹۹۵م
- یزدی، شرف‌الدین علی، *ظفرنامه*، تهیه و تنظیم عصام‌الدین اورونبایوف، اداره انتشارات فن، تاشکند، ۱۹۷۲م

Brion, Marcel, *TAMERLAN*, paris, 1963.

Grousset, Rene, *L'EMPIRE DES STEPPES*, payot, Paris, 1941.